

دکتر جورج پیتون، ترجمه کتاب مقدس، جلسه ۲۲، ایده‌های کلامی و عبارات ملکی

جورج پیتون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۵ ©

من دکتر جورج پاتون هستم در تدریسش در مورد ترجمه کتاب مقدس. این جلسه ۲۲، ایده‌های کلامی و عبارات ملکی است.

ما در مورد ترجمه ایده‌های کلامی صحبت کرده‌ایم.

ما در مورد چگونگی ترجمه عبارات ملکی صحبت کرده‌ایم. امروز، قرار است در مورد چگونگی ترجمه عبارات ملکی حاوی ایده‌های کلامی، چگونگی تجزیه آنها و نحوه انتقال آنها صحبت کنیم. بنابراین، ایده‌های کلامی به خودی خود به دلیل ماهیت این ساختارها، برای ترجمه چالش برانگیز هستند.

همانطور که گفتیم، این جمله رمزآلود است. همه اطلاعات را بیان نمی‌کند، و همچنین از آنها به روشی استفاده می‌کند که از نظر فنی فعل نیست. بلکه از آنها به عنوان چیز دیگری، مانند اسم یا صفت، استفاده می‌کند.

و بنابراین، ما عبارات ملکی هم داریم، و وقتی اسم‌های فعلی یا ایده‌های فعلی در عبارات ملکی دارید، قضیه پیچیده‌تر هم می‌شود. مثلاً چه؟ بگذارید اینجا مثالی بزنم. از لوقا ۱، در مورد یحیی تعمید دهنده، فرزند شما. پیامبر خدای متعال نامیده خواهد شد.

این یعنی چه؟ این یک عبارت مفعولی است و پیامبر در واقع کسی است که نبوت می‌کند. تو پیشاپیش خداوند خواهی رفت تا راه‌های او را آماده کنی، تا به قوم او از طریق بخشش گناهان، آگاهی از رستگاری را بدهی. بخشش گناهان، ما آن را پوشش داده‌ایم.

دانش نجات، پس آنها در مورد آن می‌دانند. مشکل در همین جا نهفته است: مشکل دیگر، افسسیان ۱:۱، پولس، رسول عیسی مسیح به خواست خدا.

و اگر از کسی پرسید، آیا می‌دانید این به چه معناست؟ او خواهد گفت، بله. اگر از او پرسید، می‌توانید به من بگویید این به چه معناست؟ او خواهد گفت، اممم، و مشکل همین است. ما سعی می‌کنیم بار خواننده را برای فهمیدن مسائل کاهش دهیم.

این بدان معنا نیست که همه چیز در کتاب مقدس به راحتی قابل فهم است یا می‌توان آن را به راحتی توضیح داد، اما ما در تلاشیم چه کاری انجام دهیم؟ ما در تلاشیم تا حد امکان موانع یا مشکلات را برطرف کنیم. بنابراین، چالش تفسیر زمانی بیشتر می‌شود که این عبارات مرکب گاهی اوقات دارای یک اصطلاح یا یک شکل دیگر از گفتار باشند. دادن آگاهی از رستگاری ممکن است لزوماً یک اصطلاح نباشد، اما یک روش اصطلاحی برای بیان است.

و چگونه دانش می‌دهید؟ دادن دانش به چه معناست؟ معمولاً چیزی ملموس داده می‌شود. من کتاب را به تد دادم. اما دادن دانش به چه معناست؟ آیا به معنای آموزش دادن است؟ آیا به معنای آگاه کردن یا گفتن می‌گوید NLT آن را بیان می‌کند، و اینگونه است که NLT، است؟ به چه معناست؟ خب

به قوش خواهی گفت، پس آنها آن فعل را انتخاب کردند، که چگونه از طریق بخشش گناهانشان رستگاری بیابند. این بهتر است. من در مورد فعل یافتن مطمئن نیستم، اما مشکلات دیگر این است که هنوز رستگاری و بخشش را در خود دارد و آنها را از هم نمی پاشد.

کل مشکل این است که ما باید آنها را تجزیه کنیم تا بتوانیم آن را قابل فهم تر کنیم. خوب، این چالش ها در سراسر عهد جدید، به ویژه در رساله ها، رایج هستند، اما نه فقط در رساله ها. به عنوان مثال، دوباره از افسسیان، او ما را برای فرزندخواندگی مقدر می کند.

باید زیر فرزندخواندگی خط می کشیدم؛ این یک اسم است. همچون پسران از طریق عیسی مسیح، برای خود او، برای نیت نیکوی اراده اش، برای ستایش جلال فیضش، که او آزادانه در اسم محبوب و انتزاعی به ما عطا کرد. در او، ما از طریق خون او، رستگاری، اسم، و بخشش گناهانمان را داریم، بر اساس غنای فیضش، که او در کمال حکمت، در بصیرت، اسم انتزاعی، به وفور به ما ارزانی داشت.

او راز، اسم انتزاعی، اراده اش را، دوباره، طبق نیت خیرش، که با هدف اداره کردن، اسم دیگری، مناسب با کمال زمان، عبارت مفعولی با اسم انتزاعی، کمال، در او قرار داده بود، برای ما آشکار کرد. بنابراین، می بینید، در طول چهار آیه، چند چالش ترجمه را شناسایی کردیم؟ پانزده؟ بیست؟ چیزی شبیه به این. تعدادشان زیاد است.

بسیار خوب. پس یادتان باشد، وقتی می گوئیم نیت اراده ی او، این دو چیز هستند. نیت یکی است، و اراده یکی است.

بعلاوه، همه اینها کنار هم قرار گرفته اند. بنابراین در واقع سه مورد وجود دارد. بنابراین هر بار که یک عبارت ملکی با اسم های انتزاعی در آن داریم، با مشکل ترجمه مرکب مواجه می شویم.

به همین دلیل است که پطرس گفت درک نوشته های پولس می تواند دشوار باشد. بله، بسیار فشرده است. اطلاعات زیادی به صورت بسیار مختصر در کنار هم قرار گرفته است و این درک آن را دشوار می کند.

خب، در این ارائه، هدف من اولاً برجسته کردن این واقعیت است که این چالش ها وجود دارند، برجسته کردن این واقعیت که افرادی که کتاب مقدس را می خوانند با آنها روبرو هستند زیرا این روش استفاده از زبان با نحوه بیان ما در انگلیسی بسیار بیگانه است. ما اصلاً اینطور صحبت نمی کنیم، حداقل مگر اینکه در حال نوشتن رساله دکترا باشید، و از همه این اسم های انتزاعی و چیزهایی از این قبیل استفاده می کنید زیرا می خواهید باهوش یا هر چیز دیگری به نظر برسید.

اما این روشی نیست که ما معمولاً صحبت می کنیم. و صدای آن خارجی است. و بنابراین، اگر خارجی به نظر برسد، می تواند غیرقابل فهم نیز باشد.

بنابراین، می تواند هر دو باشد. و فقط فکر کنید، در مورد زبان های دیگر چطور؟ در مورد افرادی که اصلاً با انجیل و مسائل مسیحی آشنا نیستند چطور؟ آنها قبلاً هرگز کتاب مقدس را نشنیده اند. بنابراین، برای آن دسته از افرادی که به آن زبان های دیگر صحبت می کنند، حتی در میان مسیحیان آن زبان ها، به همان اندازه که درک آن برای مردم کلیساهای ما در آمریکا چالش برانگیز است، برای مردم آن زبان ها نیز ناآشنا است.

کل فرآیند ترجمه و تجزیه اسم های انتزاعی برای توسعه این مهارت ها به منظور تفسیر این قسمت ها زمان می برد، و توسعه مهارت های لازم برای انتقال این قسمت ها نیز زمان می برد. بنابراین، بیایید فقط در مورد برخی از نکات اساسی که می توانیم برای به کارگیری آنها انجام دهیم صحبت کنیم تا بتوانیم این مسائل پیچیده

را تجزیه و تحلیل و انتقال دهیم. بسیار خوب، در اعمال رسولان ۱۲: ۱۳، پولس و برنابا تدریس می‌کردند و یک فرماندار آنجا بود و پولس کارهایی انجام داد.

در نهایت، فرماندار وقتی دید چه اتفاقی افتاده است، به عیسی ایمان آورد. شخصی که از تعالیم خداوند شگفت‌زده شده بود، کور شد. تعالیم خداوند در اینجا به چه معناست؟ بنابراین، فرماندار کسی بود که شگفت‌زده شد.

بسیار خوب، پس تعالیم خداوند، فعل تعلیم دادن، پولس و برنابا کسانی بودند که تعلیم می‌دادند، و کلام خداوند چیزی بود که آنها تعلیم می‌دادند، کلام درباره خداوند یا کتب مقدس، و آنها آن را به فرماندار تعلیم می‌دادند. فرماندار از آنچه پولس و برنابا درباره خداوند تعلیم می‌دادند یا آنچه پولس و برنابا از کتب مقدس تعلیم می‌دادند، شگفت‌زده شد. اما باز هم، خداوند نقطه کانونی آنجاست.

او چیزهایی در مورد عیسی یاد می‌گیرد. او چیزهایی در مورد خدا می‌آموزد که قبلاً نمی‌دانست، و قدرت پولس و برنابا را در انجام معجزات دید، و سپس از آنچه آنها گفتند شگفت‌زده شد. و این همان معنایی است که اینجا وجود دارد.

ما داریم سعی می‌کنیم این را منتقل کنیم. آیا این بهترین راه برای گفتنش است؟ واقعاً مطمئن نیستم. ضمناً، هر وقت ترجمه می‌کنیم، هر روز با حسی از ناتوانی و فروتنی پیش می‌رویم.

آیا این را به درستی تفسیر کرده‌ام؟ آیا آن را به درستی بیان کرده‌ایم؟ و ما مسائل را به آرامی بررسی می‌کنیم و سعی می‌کنیم در مورد آن خیلی متعصب نباشیم. وقتی در اورما کار می‌کردم، با دو یا سه مرد اورما کار می‌کردم که در واقع مؤمن نبودند و من نزدیک خانه‌مان کار می‌کردم. بنابراین، هر روز، برای ناهار و شام و صبحانه آنجا هستم.

و پسر ده ساله‌ام، گفت: بابا، تو تنها کسی هستی که این را ترجمه می‌کنی. و این کتاب مقدسی که تو ترجمه می‌کنی قرار است مدت زیادی اینجا بماند. و اگر درست ترجمه‌اش کنی، برای مدت طولانی آنجا خواهد ماند.

اگر اشتباه متوجه شوی، برای مدت طولانی آنجا خواهد ماند. او به من گفت، آیا تا به حال به این فکر کرده‌ای؟ گفتم، پسر، من هر دقیقه و هر روز با این موضوع دست و پنجه نرم می‌کنم. ما به خدا توکل می‌کنیم تا آن بینش‌ها را در مورد درک و نحوه بیان آن به ما بدهد.

اگر وقت داشتیم، می‌توانستیم داستان‌هایی برایتان تعریف کنم در مورد اینکه چگونه خداوند ذهن ما را با روح القدس آغشته کرده است، و نه تنها راه درست فهمیدن آن را به ما نشان داده است، بلکه به نوعی ما آن را به روشی خاص بیان کرده‌ایم، و مردم گفته‌اند: «وای! اما من وقت ندارم. اما برای وقتی دیگر».

مثال دیگر، همان عبارت «به کسی تعلیم دادن» است. بنابراین، در مکاشفه ۲: ۱۵، بنابراین شما هم کسانی را دارید، ببخشید، زیرا شما هم کسانی را دارید که به همان شکل به تعالیم نقولویان پایبندند. بنابراین، اولی تعالیم خداوند بود و دومی تعالیم نقولویان.

بنابراین، اسم‌ها را تجزیه کنید. تعلیم دادن یعنی یاد دادن. نقولویان کسانی هستند که تعلیم می‌دهند.

آنها چیزهایی را آموزش می‌دهند، و چیزهایی را به دیگران آموزش می‌دهند. با این حال، ما اینجا یک فعل عجیب، کمی عجیب، برای حفظ آن چیزها داریم. چگونه این آموزه‌ها را حفظ می‌کنید؟ کمی انتزاعی است.

ما تا حدودی متوجه هستیم. بنابراین، برخی نیز هستند که به چیزهایی که نقولویان تعلیم می‌دهند یا تعلیم می‌دهند یا می‌دهند، اعتقاد دارند یا آنها را تأیید می‌کنند. بنابراین، ما دوباره از همان اصول استفاده می‌کنیم و سعی می‌کنیم آن را تجزیه و تحلیل کنیم.

مثال‌های دیگر. این از انجیل مرقس، باب ۴، تمثیل برزگر، می‌آید. اما نگرانی‌های دنیا، فریبندگی ثروت و هوس چیزهای دیگر وارد می‌شوند و کلام را خفه می‌کنند و بی‌ثمر می‌شود.

واضح است. وقتی عیسی آن مَثَل را بدون این توضیح بیان کرد، شاگردانش گفتند، ببخشید، ما چیزی از حرف‌های شما نفهمیدیم. می‌توانید لطفاً آن را برای ما توضیح دهید؟ و این توضیح اوست.

و بعد با خودم فکر کردم، باشه، فکر کنم فهمیدم. خوب، وقتی در تانزانیا کار می‌کردیم، در یک دفتر بودیم و به زبان مختلف صحبت می‌کردیم. افرادی از ۱۰ جامعه مسیحی مختلف با هم ترجمه می‌کردند ۱۰.

و یکی از اولین کتاب‌هایی که با هم نوشتیم، کتاب مرقس بود. و من زیاد مرقس را مرور می‌کردم. و به این آیه رسیدیم و می‌خواستیم معنی این عبارات را بررسی کنیم. یکی از عبارات، نگرانی‌های دنیا است.

یعنی چی؟ آیا دنیا نگران کننده است؟ نه، پس ذهنی نیست. به نوعی عینی است. نگرانی‌ها، یعنی چی؟ خوب، فعلش چیه؟ فعل نگران بودن است.

چه کسی نگران است؟ دنیا نگران نیست، بنابراین به نوعی، مردم نگران هستند. به عبارت دیگر، افرادی که در این تمثیل، ما عقب می‌نشینیم و می‌گوییم، بسیار خوب، خدا در مورد آن صحبت می‌کند، یا عیسی در مورد آن صحبت می‌کند، افرادی که کلام را دریافت کرده‌اند شروع به نگران شدن می‌کنند. آنها نگران چه چیزی هستند؟ آنها نگران چیزهایی هستند، و ما در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

خب، دنیا نمایانگر چیست؟ باز هم، این نوعی اصطلاح یا عبارت مجازی، شاید کنایه است، که در آن دنیا به معنای چیز دیگری است. این کلمه نمایانگر چیست؟ آیا نمایانگر چیزهای دنیوی است؟ عیسی گفت، شما در دنیا هستید اما از دنیا نیستید. این کمی متفاوت به نظر می‌رسد، و بلافاصله قبل از تمایل به چیزهای دیگر می‌آید، و بلافاصله قبل از ثروت می‌آید، و بنابراین به نوعی می‌توانند کمی مترادف باشند، یا حداقل در یک دسته کلی قرار گیرند.

خیلی خوب، پس اون چیزهای دنیوی چی هستن؟ به کلمه ثروت نگاه می‌کنی؟ آره، شاید. خوب، رابطه بین نگرانی و دنیا چیه؟ این چیزیه که باید از خودمون بپرسیم، و به نظر می‌رسه که نگران چیزهای دنیوی، نگران دارایی‌های دنیوی بودن، شاید. خوب، یه راه برای تغییرش اینه که، وقتی نگران چیزهای دنیوی هستن، ویرگول بذاریم، و بعد ادامه بدیم.

باز هم، ما باید این کار را گام به گام انجام دهیم، به آرامی این موارد را بررسی و تجزیه کنیم. مورد بعدی فریبندگی ثروت است، و این مورد همان موردی بود که برای مترجمان تانزانیایی ما مشکل ایجاد کرد. باز هم، ما به زبان سواحیلی به عنوان زبان ارتباطی خود کار می‌کنیم و سپس هر تیم آن را به زبان خود ترجمه می‌کند.

فریبندگی ثروت. فعل، فریب دادن. ثروت و مردم.

چه کسی فریب را انجام می‌دهد؟ ما نه تنها شناسایی می‌کنیم که شرکت‌کنندگان چه کسانی هستند، بلکه آیا مردم ثروت را فریب می‌دهند؟ آیا ثروت مردم را فریب می‌دهد؟ بنابراین، وقتی از مترجمان تانزانیایی خود

پرسیدم که این به چه معناست، آنها این را گفتند، و این ترجمه تحت‌اللفظی کلمه به کلمه فریبندگی ثروت به زبان سواحیلی است. اودانگانیفو وامالی. فریب ثروت

و من گفتم، خب این یعنی چی؟ آنها گفتند، خب، اینکه کسی را از ثروتش کلاهبرداری کنی، کار اشتباهی است. فعل است. به معنی سوءاستفاده کردن است danganya یا udanganifu بنابراین کلمه

به معنی فریب دادن، گول زدن، و کلاهبرداری از مردم است. بنابراین، این دانگانیا به معنی فریب دادن آنها در مورد حقیقت نیست. در واقع در ذهن آفریقایی‌ها این مفهوم را دارد که کسی را از چیزی کلاهبرداری کنند یا فریب دهند.

و بنابراین، اگر ما در مورد همه شرکت‌کنندگان صحبت می‌کنیم، شما یک شخص را از برخی دارایی‌ها محروم می‌کنید. و بنابراین، آنها گفتند که کلاهبرداری از مردم بد است. آیا این عبارت در این آیه خاص همین را می‌گوید؟ من واقعاً فکر نمی‌کنم اینطور باشد.

چیزی که آنها از دست دادند، نکته‌ی اول بود، این شخصیت‌بخشی است، جایی که پول کاری انجام می‌دهد، ببخشید، بله، ثروت کاری انجام می‌دهد. و آنها از این نکته غافل شدند که ثروت در واقع چیزی است که فریب می‌دهد. بنابراین، این عینی است، ببخشید، ذهنی است.

فاعل، یعنی ثروت، فریب دادن را انجام می‌دهد و افرادی که فریب می‌خورند، دیگر شرکت‌کنندگان در این فعل هستند. بنابراین، اگر بخواهیم آن را به روش دیگری بگوییم، آنها توسط ثروت فریب می‌خورند. دوباره، باید گام به گام پیش برویم و این را تجزیه و تحلیل کنیم.

باشه. نگرانی‌های دنیا، ما اون رو از بین بردیم. فریبندگی ثروت، ما اون رو از بین بردیم.

یه مورد دیگه هم هست که باید در موردش صحبت کنیم. خواسته‌های چیزهای دیگه. خب، این یه عبارت ملکی نیست، بلکه یه اسم مفعولیه.

و خفه کردن یک فعل است؛ یک فعل مستقیم. بنابراین، اوضاع دارد دنیا را خفه می‌کند. باز هم، این زبان بسیار مجازی است.

بنابراین، آرزو. و افرادی که در آیه مورد اشاره قرار گرفته‌اند، کلمه «آرزوی چیزها» را دریافت کرده‌اند. آرزوهای چیزهای دیگر، مشخص نمی‌کند، اما می‌توانیم آن را تفسیر کنیم.

نگرانی‌های دنیا، فریبندگی ثروت، و آرزوی چیزهای دیگر، همه در یک دسته کلی قرار دارند. و این آرزوها را خفه کن، این چیزها را خفه کن. یکی دیگر بی‌ثمر شده است، و کمی متفاوت است، اما این یک روش مجازی است، زیرا شما می‌گویید که این کلمه بی‌ثمر می‌شود.

چگونه آن را باز کنیم؟ چگونه آن را درک کنیم؟ بنابراین، ثمربخشی به معنای تولید میوه است. بی‌ثمری به معنای عدم تولید میوه است. بنابراین، تولید میوه یا ثمر دادن.

بنابراین، این کلمه در زندگی مردم ثمر می‌دهد. و باز هم، این کلمه یک مفهوم انتزاعی است و یک شخصیت‌بخشی است. کلمه کاری انجام می‌دهد.

کلمات کارها را به همان روشی که اشیاء را زنده می‌کنند، انجام نمی‌دهند. میوه نیز مجازی است. مجازی برای چه چیزی؟ اعمال نیک، اطاعت، ایمان، همه این چیزها.

خلاصه شده است. خب، این یک جمله بسیار پر بار با سه بند است، و تمام این fruit همه اینها در کلمه قطعات دیگر به هم گره خورده‌اند. بنابراین، ما هر یک از این بخش‌ها را تجزیه کرده‌ایم.

چطور همه اینها را کنار هم بگذاریم؟ چطور می‌توانیم به روش دیگری این را بگوییم؟ خب، مثل بزرگر، از اول اینطور شروع شد. اما نگرانی‌های دنیا، فریبندگی ثروت و هوس چیزهای دیگر وارد می‌شوند و کلام را خفه می‌کنند و بی‌ثمر می‌شود. از اینجا شروع کردیم.

یک ترجمه ممکن این است. اما وقتی آنها نگران چیزهای دنیوی هستند و فریب ثروت‌خواهی را می‌خورند و چیزهای دیگر را آرزو می‌کنند، این چیزها کلام را خفه می‌کنند و در آنها ثمری به بار نمی‌آورد. بنابراین، آیا این ترجمه نقل قول- نقل قول نشده درست است؟ نمی‌دانم.

آیا به معنی مورد نظر ما نزدیک است؟ نزدیک است. آیا بهتر است؟ این به تصمیم شما بستگی دارد. اما باز هم، می‌توانیم این ترجمه تولید شده به انگلیسی را در نظر بگیریم، از آن به عنوان نکته‌ای برای بحث استفاده کنیم، در مورد آن فکر می‌کنیم و سپس از آن عبارت خاص در زبان دیگر استفاده کنیم.

بسیار خوب، همانطور که این کار را انجام می‌دهید، حتماً از تفاسیر، سایر نسخه‌های کتاب مقدس، هر منبع دیگری که می‌توانید استفاده کنید و سعی کنید به تفسیری برسید که در محدوده قابل قبول باشد. ممکن است این تفسیر کامل نباشد؛ ممکن است نتوانید هر آنچه را که می‌خواهید بگویید، اما امیدواریم که تفسیری ارائه ندهیم که اساساً با هر آنچه دیگران گفته‌اند متفاوت باشد. بنابراین، آیا برای اکثر مردم امن است که با این موافق باشند، یا اکثر مفسران چیزهای مشابهی در مورد آن گفته‌اند؟ بنابراین ما از همه این منابع استفاده می‌کنیم.

کاری که تا الان در بررسی تمام چیزهایی که گفتم انجام داده‌ایم، تجزیه و تحلیل زبان‌شناختی، تجزیه تمام این بخش‌های مختلف و استفاده از این استراتژی‌های ترجمه مختلف، این اصول ترجمه مختلف بوده است، اما ما این کار را در خلاء انجام نمی‌دهیم. افراد زیادی هستند که خیلی قبل از ما زندگی کرده‌اند و بیش از ۲۰۰۰ سال در مورد همه این موارد نوشته‌اند و شایسته است که از این منابع استفاده کنیم. خب، این یک مثال از رومیان ۱ است، و این بخشی از کار من در آن کارگاه ترجمه در اوگاندا بود.

رومیان ۱، پولس، بنده عیسی مسیح، مسیح عیسی، فراخوانده شده به عنوان رسول، جدا شده برای انجیل خدا، که از قبل توسط انبیای خود در کتب مقدس درباره پسرش وعده داده بود، که از نسل داوود به حسب جسم متولد شد، که با رستاخیز از مردگان، به حسب روح قدوسیت، پسر خدا به قوت اعلام شد، عیسی مسیح، خداوند ما، که به واسطه او فیض و رسالت یافته‌ایم تا به خاطر نام او، اطاعت ایمان را در میان غیریهودیان به ارمغان آوریم، که در میان آنها شما نیز فراخوانده شده مسیح هستید، به همه کسانی که محبوب خدا در روم هستند. پولس هنوز حتی شروع نکرده است، و این مقدمه اوست. وای.

خب، با این همه ماجرا چه کار کنیم؟ بیایید این را جمع‌بندی کنیم. خب، احتمالاً - در واقع، بگذارید یک ثانیه به این موضوع برگردم. خب، همانطور که داشتم در دفترم روی این موضوع کار می‌کردم، از خانه کار می‌کردم و بچه‌هایم هم آنجا بودند.

، و بنابراین موقع ناهار، آنها می‌دانستند که من روی رومیان کار کرده‌ام. و بنابراین، آنها پرسیدند، خب بابا، امروز چه خوانده‌ای؟ روی چه چیزی کار کرده‌ای؟ و من گفتم که روی رومیان ۱ تا ۷ کار کرده‌ام. باشه بابا، خب، این یعنی چه؟ و من گفتم، من هیچ ایده‌ای ندارم. نمی‌دانم.

من واقعاً همه این موارد را به طور کامل بررسی نکرده بودم. خب، بخشی از کاری که ما انجام می‌دهیم این است که به هر بند نگاه می‌کنیم و در ارتباط با بندهای دیگر، مشخص می‌کنیم که کدام بند، بند اصلی است و کدام یک توضیحی برای چیز دیگری است. بنابراین، ما به نحوه‌ی ارتباط اطلاعات با یکدیگر نگاه می‌کنیم.

برای مثال، پولس، بنده‌ی مسیح، رسول خوانده می‌شود، برای انجیل خدا جدا شده است، انجیلی که از قبل وعده‌اش را داده بود و تابع انجیل خداست. بنابراین، این در زیر آن، از طریق پیامبران مقدس او در کتاب مقدس، قرار دارد.

بنابراین وعده‌ها از جانب پیامبران آمده است، و پیامبران در کتاب مقدس در مورد آن به ما گفته‌اند. ما باید تمام روابط متقابل بین آن بندها را کشف کنیم. ضمناً، تفاوت بین یک بند و یک عبارت چیست؟ یک بند عبارت است که شامل یک فعل است.

اگر فعلی وجود نداشته باشد، ممکن است جمله واره نباشد. گاهی اوقات، در یونانی و عبری و سواحیلی و داریم. مانند، او رئیس جمهور است to be زبان‌های دیگر، جمله واره بدون فعل با فعل

، و گاهی اوقات می‌توانید به زبان سواحیلی بگویید که او رئیس جمهور است. و این کاملاً منطقی است. بنابراین، جدا از فعل بودن، این عبارت عبارتی با فعل است.

بنابراین، ما به این روابط جمله و اینکه چه چیزی برجسته و چه چیزی فرعی است، نگاه می‌کنیم. ما باید به همه این موارد نگاه کنیم. وقتی این را مشخص کردیم، شروع به بررسی شرکت‌کنندگان خواهیم کرد.

ما به خود فعل نگاه می‌کنیم. چه فعل محدود مشخصی اینجا قرار است باشد؟ و چگونه همه اینها با هم جور در می‌آیند و به هم مرتبط می‌شوند؟ واقعاً، واقعاً پیچیده است. خب، اینها هفت آیه از ۷۸۰۰ آیه عهد جدید هستند.

خب، حالا به ۷۷۹۳ رسیدیم. عالیه. و چقدر طول می‌کشد تا این رو بفهمیم و ترجمه کنیم؟ ممکنه یک روز باشه، یا ممکنه چند روز.

و این فقط برای فهمیدن آن است. کار ترجمه همین است. بسیار خوب، پس بیایید این را به پایان برسانیم و بگوییم که این کاری است که تا الان انجام می‌دادیم.

بنابراین، ما اسم‌های فاعلی و وجه وصفی را مشخص می‌کنیم و همچنین مشارکین جمله را، چه جاندار و چه بی‌جان، شناسایی می‌کنیم. آیا نوعی استعاره کلامی در کار است؟ گاهی اوقات، همانطور که دیدیم، چندین استعاره در یک عبارت وجود دارد. آیا شخصیت بخشی وجود دارد؟ ما رابطه بین دو جمله واره را تعیین می‌کنیم.

برای مثال، اطاعت ایمانی، اطاعت ایمانی را در غیریهودیان ایجاد می‌کند. بنابراین، آنها اطاعت می‌کنند، آنها ایمان می‌آورند. اگر بخواهیم اطاعت را به عنوان فعل تجزیه کنیم، می‌شود اطاعت کردن، و ایمان به عنوان فعل، یعنی باور کردن.

پس چگونه می‌توانیم آنها را با هم تطبیق دهیم؟ چگونه به هم مرتبط هستند؟ این سوالی است که باید از خود پرسیم. موعظه انجیل چه چیزی را در غیریهودیان ایجاد خواهد کرد؟ و می‌توانیم بگوییم، ایمان داشته باشید، یا باور کنید و اطاعت کنید. بنابراین این چیزی است که پولس سعی در انجام آن دارد، این است که غیریهودیان رومی چه کاری انجام خواهند داد؟ آنها به مسیح ایمان خواهند آورد و از تعالیم مسیح اطاعت خواهند کرد.

بنابراین، اطاعت از ایمان را می‌توان به این شکل تجزیه کرد. اما سعی کنید آن را در آن جمله قرار دهید، و این هفت آیه طولانی است و سعی می‌کنید همه آنها را با هم تطبیق دهید. بله، چالش برانگیز است.

بنابراین، ما آیه را تا جایی که می‌توانیم بازنویسی می‌کنیم تا نوعی پیش‌نویس اولیه آماده شود. سپس، از آن آیه به عنوان مبنایی برای ترجمه استفاده می‌کنیم. و این فرآیندی است که ما طی کردیم.

امیدوارم مفید بوده باشد. بحث بعدی ما در مورد سازه‌های غیرفعال خواهد بود. متشکرم.

من دکتر جورج پاتون هستم در تدریسش در مورد ترجمه کتاب مقدس. این جلسه ۲۲، ایده‌های کلامی و عبارات ملکی است.